

تحلیل مؤلفه‌های زیبایی شناختی انسجام در کلام دعای ابو حمزه ثمالی با تکیه بر رویکرد هلییدی و حسن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۵

مجید محمدی^۱
سوسن کاکائی^۲
سمیه صولتی^۳

چکیده

مفهوم انسجام به منظور درک بهتر روابط معنایی بین جملات ارائه شده است تا آن‌ها را به مثابه یک متن، از غیر متن جدا کند. این نوشتار با تکیه بر نظریه انسجام هلییدی و حسن، دعای شریف «ابو حمزه ثمالی» را از سه بُعد دستوری، واژگانی و پیوندی و به روش توصیفی - تحلیلی مورد واکاوی قرار داده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات است که: الگوی انسجام تا چه اندازه در متن بودگی دعای ابو حمزه ثمالی نقش دارد؟ آیا می‌توان مؤلفه‌های انسجام را بر متن این دعا منطبق دانست؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که عنصر ارجاع، هم‌معنایی، تکرار و از میان ادات پیوندی، ادات افزایشی، تأکیدی و موصولات بیشترین بسامد را در متن دعا داشته‌اند و زمینه ایجاد کلامی به این جامعیت و گستردگی، با بندهای فراوان را برای تحقق بخشیدن به معرفت خداوند و نشان دادن راه سعادت و نجات بشر فراهم کرده است و توانمندی امام سجاد علیه السلام را در هنر شناخت کلام به خوبی نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل زبان شناختی، الگوی انسجام، امام سجاد علیه السلام، دعای ابو حمزه ثمالی، هلییدی و حسن.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول)

(mohammadimajid44@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی (s.kakaie1393@gmail.com)

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی (solatis10@yahoo.com)

۱. مقدمه

زبان‌شناسی متن، یکی از شاخه‌های جدید زبان‌شناسی است؛ آقاگل‌زاده با ذکر تعاریفی از زبان‌شناسی متن به نقل از هارتمن، گریگوری و کریستال، مهم‌ترین رسالت آن را به این صورت تعریف می‌کند:

زبان‌شناسی متن به دنبال حل این مسأله است که متن چیست، چگونه تولید می‌شود، سازمان درونی متن چگونه است و چگونه می‌توان آن را درک کرد؟^۴

زبان‌شناسی جدید به دو شاخه تقسیم می‌شود: یکی زبان‌شناسی ساخت‌گرا و دیگری زبان‌شناسی نقش‌گرا. زبان‌شناسی نقش‌گرا ویژگی‌های خاص هر جمله را بررسی می‌کند که موجب می‌شود توجه او به بافت بزرگ‌تری تحت عنوان متن، معطوف شود؛ لذا نسبت به زبان‌شناسی ساخت‌گرا کارآمدتر به نظر می‌رسد. باورهای چامسکی این گفته را تأیید می‌کند. او بر این عقیده است که زبان نه وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه ابزاری برای تفکر و در نتیجه دریچه‌ای برای راه بردن به جنبه‌های از ویژگی‌های ذاتی ذهن آدمی است، پس زبان‌شناسی مطالعه علمی زبان برای فهم ویژگی‌های ذهن انسان است و می‌توان آن را به عنوان بخشی از دانش روان‌شناسی تلقی کرد.^۵ زبان‌شناسی نقش‌گرا در اروپا شکل گرفت و صاحبان این نظریه بر این باورند که:

زبان ابزاری برای تعامل اجتماعی و واحد تحلیل متن در بافت است. در این معنا، نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آن‌ها با بافت است که معانی خاص را افاده می‌کنند.^۶

از جمله پیشگامان زبان‌شناسی نقش‌گرا، یکی آندره مارتینه است و دیگری مایکل هلیدی. هلیدی از سطح ساختارهای زبانی فراتر می‌رود و متن را متشکل از جمله می‌داند؛ جملاتی که بر اساس یک رابطه معین و سازماندهی شده در کنار هم قرار گرفته‌اند و این امر موجب شده تا از مجموعه جملاتی که به طور تصادفی در کنار هم قرار می‌گیرند، مجزا شود. هلیدی از رهگذر این باور به نظریه انسجام متن می‌رسد که مکتب نقش‌گرای زبان‌شناسی

۴. تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۱۰۲.

۵. زبان و ذهن، ص ۳۹-۹۴.

6. An Introduction to Functional Grammer, p 40.

بیشترین بررسی را در این حوزه انجام داده است.^۷

انسجام متن، مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان متن مشخص می‌سازد.^۸

انسجام پدیده‌ای کاملاً نو و جدید نیست و ریشه‌های آن را می‌توان در آرای عبدالقاهر جرجانی و نظریه نظم ایشان یافت که بر اساس آن معتقد بود که نظم و ترتیب معانی پیش از آن که به رشته الفاظ درآید، در ذهن شاعر و نویسنده است. از نظر جرجانی الفاظی که معنای واحد دارند، از لحاظ دلالتشان بر معنا هیچ‌کدام برتر نیستند، بلکه زمانی یکی از آن‌ها فصیح است که موقعیت آن‌ها به لحاظ تناسبش با کلمات دیگر بررسی شود.^۹ بررسی زبان به عنوان یک ساختار منسجم، نقطه مشترک آرای هلیدی و جرجانی است و می‌توان این‌گونه برداشت کرد که کلمات نمی‌توانند خارج از چارچوب جمله و متن معیار زیبایی یا عدم زیبایی یک متن باشند، بلکه باید در ساختار جمله قرار بگیرند.

این پژوهش بر آن است تا با رویکردی فرا جمله‌ای، مؤلفه‌های دستوری، واژگانی و پیوندی را که عواملی مؤثر در انسجام متنی هستند، در کلام امام سجاد علیه السلام مورد بررسی قرار دهد و میزان نقش آن‌ها را در فرآیند انتقال معنا بیان کند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی درباره دعای ابوحزمه ثمالی صورت گرفته است که این دعا را از جنبه مضمون و ساختار بررسی کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- سلیمانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی در باب دعای ابوحزمه ثمالی» این دعا را مورد بررسی قرار داده است و به مهم‌ترین محورهای آن از جمله: معرفت الهی، راه سعادت و نجات انسان، دعا و... اشاره می‌کند و آداب دعا را نیز برمی‌شمارد.

وی همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی فضایل قرآنی در دعای ابوحزمه ثمالی» (۱۳۸۹)، فضایی همچون: امید، محبت، صبر، توکل و... را در این دعا برجسته‌سازی می‌نماید.

- مواظبی و طیبی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «رابطه انسان با خدا و مقایسه آن با

۷. معناکاوی به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی، ص ۱۲۴.

۸. درآمدی بر اصول ترجمه، ص ۳۰.

۹. دلائل الإعجاز فی القرآن، ص ۵۳-۴۳.

قرآن» اسما و صفات الهی را به صورت مقایسه‌ای در دعای ابوحزمه ثمالی و قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند.

- رفیعی و هادیان (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «تجلی آموزه‌های قرآنی در دعای ابوحزمه ثمالی» این دعا را به شدت تحت تأثیر قرآن کریم دانسته‌اند و انواع اثرپذیری ساختاری از جمله: اقتباس، تلمیح و تصریح را در آن ذکر نموده‌اند و این‌که بیشترین انعکاس مختص به تلمیح است.

- میرزایی احد و نامداری (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی سبک‌شناسانه دعای ابوحزمه ثمالی» این دعا را در چهار سطح آوایی، نحوی، فکری و معنایی مورد بررسی قرار داده‌اند.

- «التماسک المعنوی فی دعاء ابوحزمه الثمالی» نوشته رضائی و زارع، ایشان در این پایان‌نامه، انسجام معنایی را در این دعا با تکیه بر نظریه «عزه شبل محمد» و «دی بوجراند» بررسی نموده و مهم‌ترین عوامل انسجام را در نظریه آنها از جمله: پرسش و پاسخ، ربط اضافی، سبب و مسبب عنه، توالی در کلام، استثناء و... را برای این دعا منطبق دانسته‌اند.

اگرچه پژوهش اخیر انسجام را در این دعا مورد بررسی قرار داده است، اما ایشان این کار را از خلال نظریه «عزه شبل محمد» و «دی بوجراند» انجام داده؛ در حالی که این پژوهش هماهنگی انسجامی را با تکیه بر نظریه مایکل هلیدی رقیه حسن بررسی نموده است و از این حیث تازه و نو است.

۱-۲- انسجام متن

یکی از مسائل مهم در حوزه زبان‌شناسی، به ویژه زبان‌شناسی نقش‌گرا، انسجام متن است. به کمک انسجام می‌توان ارتباط موجود در یک متن را توضیح داد. انسجام یعنی مجموعه همه زیبایی‌های شعر و نثر.^{۱۰} زبان‌شناسان معتقدند که عوامل انسجام، موجب یکپارچگی متن می‌شوند و دریافت پیام از متن را ممکن می‌سازد. ۱۱ نظریه انسجام برای اولین بار توسط هلیدی و حسن در سال ۱۹۷۶م، تحت عنوان «Cohesion in English» مطرح شد و سپس رقیه حسن در سال ۱۹۸۴م، و هلیدی و حسن در سال ۱۹۸۵م، این نظریه را گسترش دادند و بحث هماهنگی انسجامی و پیوستگی را بر آن افزودند.

۱۰. موسیقی شعر، ص ۳۶۹.

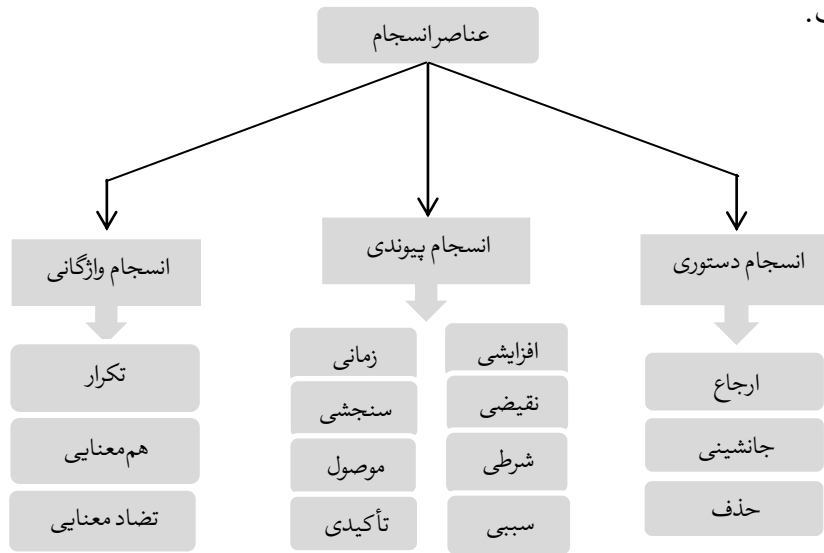
انسجام در لغت به معنای یکپارچگی و استواری است که پیوستگی در متن را موجب می‌شود. هلیدی و حسن روابط بین جمله‌ای متن را انسجام متنی «Textual Cohesion» نام نهاده‌اند و آن را بدین صورت تعریف کرده‌اند:

انسجام، مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به عنوان یک متن از غیر متن جدا می‌کند.^{۱۲}

آن‌ها برای این باورند در متن عناصری وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان عناصر دیگر را رمزگشایی کرد و این جزئی از نظام زبان به شمار می‌رود. از این رو، «انسجام زمانی برقرار می‌شود که تعبیر و تفسیر عنصری وابسته به عنصر دیگری باشد».^{۱۳} گوت وینسکی معتقد است:

متون ممکن است دارای انسجام ضعیف تر و یا قوی تر باشند، اما هیچ متنی بدون انسجام وجود نخواهد داشت.^{۱۴}

از این رو به نظر می‌رسد که بحث انسجام و پیوستگی در متون مقوله‌ای غیر قابل اجتناب است و هیچ متنی را نمی‌توان یافت که درصدی از انسجام در آن موجود نباشد. هلیدی و حسن عناصر انسجام را به سه بخش اصلی تقسیم نموده‌اند که در قالب نمودار ترسیم شده است.



12. Cohesion in English, p 4.

۱۳. درآمدی بر اصول ترجمه، ص ۱۱۰.

۱۴. بررسی تطبیقی زبان از زیبایی از دیدگاه نقش‌گرایی در زبان فارسی و انگلیسی، ص ۴.

۱-۳- دعای ابوحمزه ثمالی

یکی از شیوه‌های ارتباط انسان با پروردگار و رفع نیازهای فطری، دعاست. انسان از طریق دعا می‌تواند رابطه خویش را با معبود تحکیم بخشد تا بتواند به سوی رشد و کمال معنوی گام بردارد. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾^{۱۵}

خداوند سبحان در این آیه دعا را عبادت می‌داند؛ به گونه‌ای که ترک آن استکبار تلقی شده و جزای آن جهنم است. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام، ضمن سفارش به دعا، توفیق یافتن در این امر ارزشمند را با دریافت کلید گنجینه‌های الهی برابر دانسته که می‌تواند با آن درهای نعمت را به روی خود بگشاید:

خداوند کلید گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده که به تو اجازه دعا کردن داد، پس هرگاه اراده کردی می‌توانی با دعا درهای نعمت خدا را بگشایی.^{۱۶}

بدیهی است معنا و مفهوم دعا در نزد اولیای الهی دارای مراتب بالاتری است. دعا در نزد ایشان فریادی است از عمق جان، برای رسیدن به محبوب ازلی. محتوای غنی و جامعیت در همه ابعاد زندگی انسان، وجه تمایز دعا‌های اسلامی از دعا‌های دیگر ادیان است. دعا طبق بیان نورانی امام سجاد علیه السلام بهترین عبادت است. یکی از این دعاها دعا «ابوحمزه ثمالی» است که سرشار از معارف و معانی والا و ارزشمند است که به نوعی آموزه‌های قرآنی را تداعی می‌کند.

این دعا در مسیر تقرب الهی، چندین مرحله دارد که عبارت است از: «توجه، حیرت، امن، حمد، قصد، اقرار، اعتذار، طلب و توجه به خستگی‌ها و بررسی‌ها و زندگی‌ها، ایمان، توحید، خواسته‌های جامع و ایمانی که مباشر و همراه قلب باشد و یقینی صادق که در جایگاه خود نشسته باشد و دروغ نباشد».^{۱۷} امام زین العابدین علیه السلام با توجه به شرایط آن روزگار، برای استمرار رسالت بزرگی که به عهده ایشان بود، از سلاح دعا بهره جسته‌اند. ایشان این دعا را - که شامل معارف اعتقادی و اخلاقی فراوانی است - در نهایت زیبایی، استواری،

۱۵. سوره غافر، آیه ۶۰.

۱۶. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۱۷. بشنوازی (مروری بر دعای ابوحمزه ثمالی)، ص ۱۴۰-۱۳۸.

جامع و وافی به تمام امور مورد نیاز انسان، در قالب نیایش با معبود، به نقل از ابوحمزه ثمالی در تمام سحرهای ماه مبارک رمضان می‌خواندند.^{۱۸}

۲. تحلیل مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی انسجام در دعای ابو حمزه ثمالی

۱-۲. انسجام دستوری

۱-۱-۲. ارجاع

ارجاع (reference) به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام متن، بدین معناست که تفسیر یک عنصر به خودی خود ممکن نباشد و برای تعبیر آن باید از عناصر دیگری مدد جست. «این عناصر که مرجع‌دار نام دارند، شامل ضمائر، اسم موصول و اسم اشاره هستند».^{۱۹} ارجاع دوتی است: ارجاع درون‌متنی (Endophoric reference) که خود به دو گونه ارجاع به ماقبل (پیش مرجع) و ارجاع به مابعد (پس مرجع) تقسیم می‌شود.

الف) ارجاع به ماقبل: جایی است که مرجع قبل از عنصر ارجاع قرار دارد.

ب) ارجاع به مابعد: جایی است که مرجع بعد از عنصر ارجاع قرار دارد.

و دیگری ارجاع برون‌متنی (Exophoric reference) است که مرجع در خارج از متن قرار داشته و فهم آن بسته به موقعیتی و محیطی است که متن در آن واقع شده است.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که تنها ارجاع درون‌متنی (متنی) می‌تواند موجب انسجام متن شود؛ زیرا وجود این روابط انسجامی موجبات شکل‌گیری متن را فراهم می‌آورد و در مقابل ارجاع برون‌متنی (بافتی) در تولید متن نقش دارد و سبب پیوند متن با بافت موقعیت است.^{۲۰}

نمونه‌هایی از ارجاع در دعای ابوحمزه ثمالی:

- إلهی رَبِّیْتِنِی فِی نِعْمَکَ وَ إِحْسَانِکَ صَغِیراً وَ تَوَهَّتَ بِاسْمِی کَبِیراً فِیَا مَنْ رَبَّانِی فِی الدُّنْیَا بِإِحْسَانِهِ وَ تَفَضَّلَ عَلَیَّ وَ نِعْمَ بِهِ وَ (هو) أَشَارَ لِی فِی الْآخِرَةِ الِی عَفْوِهِ وَ کَرَمِهِ.^{۲۱}

۱۸. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۶۷.

۱۹. زبان‌شناسی متن و الگوی انسجام در آرای نحوی، بلاغی و نقلی عربی قدیم، ص ۸۹.

20. Cohsion in English, p 37.

۲۱. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۶۸.

الف) ارجاعات درون متنی

مرجع	نوع ارجاع	عنصرارجاع
الهی	درون متنی (پیشین)	ضمیر مخاطب «ت»، ضمیر «ک»
من	درون متنی (پیشین)	ضمیر هاء، ضمیر غائب هو

ب) ارجاعات برون متنی

مرجع	عنصرارجاع
امام سجاد <small>علیه السلام</small>	ضمیر شخصی «یا»

- يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ وَأَنَا وَائِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ
وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ (أنا) أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ (هو) أَخْرَسَهُ دَنْبُهُ
رَبِّ أَنَا جِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ (هو) أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ. (أنا) أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِعًا خَائِفًا إِذَا
رَأَيْتُ مَوْلَايَ دُنُوبِي فَرَعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنَّ عَفْوَتَكَ فَخَيْرٌ رَاجِحٌ وَإِنْ عَدَّ بَتٌ
فَعَيْرٌ ظَالِمٌ.^{۲۲}

الف) ارجاعات درون متنی

مرجع	نوع ارجاع	عنصرارجاع
مَوْلَايَ	درون متنی (پیشین)	ضمیر مخاطب «ک»
سَيِّدِي	درون متنی (پسین)	ضمیر مخاطب «ک»
لسان	درون متنی (پیشین)	ضمیر «هاء»
قلب	درون متنی (پیشین)	ضمیر «هاء»
ذنب	درون متنی (پسین)	ضمیر مستتر «هو»
جرم	درون متنی (پسین)	ضمیر مستتر «هو»
سَيِّدِي، رَبِّ	درون متنی (پسین)	ضمیر مخاطب «ک» در اَدْعُوكَ
مَوْلَايَ	درون متنی (پیشین)	ضمیر مخاطب «ت»

ب) ارجاعات برون متنی

مرجع	عنصرارجاع
امام سجاد <small>علیه السلام</small>	ضمیر شخصی «یا»، «أنا»، «ت»

- اَللّٰهُمَّ (أنت) اَعْفِ زَلِيَّ وَ لَوْلَا دَيِّيَّ وَ (أنت) اَزِمَّهُمَا كَمَا رَبَّيْتَانِي صَغِيرًا (أنت) اِجْزِمَاهَا
بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا وَ بِالسَّيِّئَاتِ عُفْرَانًا.^{۲۳}

۲۲. همان.

۲۳. همان، ص ۷۰.

الف) ارجاعات درون متنی

مرجع	نوع ارجاع	عنصر ارجاع
اللَّهُمَّ	درون متنی (پیشین)	ضمیر مخاطب «أنت»
الوالدین	درون متنی (پیشین)	ضمیر غائب «هما»، ضمیر متصل «الف»

ب) ارجاعات برون متنی

مرجع	عنصر ارجاع
امام سجاد <small>علیه السلام</small>	ضمیر شخصی «باء»

با نگاهی به فرازهایی از دعا می‌توان چنین ادعا نمود که «ارجاع» بیشترین نقش را در ایجاد انسجام در متن ایفا می‌کند. از میان ارجاعات، ارجاع درون متنی ضمائر (أنت وکاف) - که مرجع هر دو خداوند است و در متن دعا با واژه‌هایی همچون «اللهم»، «مولای»، «ربی» و ... ذکر شده‌اند - بیشترین فراوانی را دارد و این خود بیان‌گر نگاه و توجه خاص امام معصوم علیه السلام به مقام خداوند سبحان بوده و با چارچوب دعا متناسب است. از میان ارجاعات برون متنی، بیشترین فراوانی به ضمائر «أنا» و «یاء متکلم» اختصاص دارد که مرجع هر دو امام سجاد علیه السلام است.

اگرچه این ارجاعات در اغلب ادعیه ماثور از پیشوایان دین، موجود است، اما نکته درخور توجه این است که فقط یافتن این ارجاعات در متن نمی‌تواند انسجام آن را اثبات کند، بلکه بسامد بالای این ارجاعات در سراسر متن دعا، عبارات را زنجیره‌وار به هم وصل کرده و ساختار آن را منسجم و یکپارچه نموده است.

۲-۱-۲. جایگزینی

جایگزینی یکی از روش‌هایی است که به انسجام متن کمک می‌کند و عبارت است از عملیاتی که درون متن صورت می‌گیرد و طی آن عنصری در متن جایگزین عنصری دیگر می‌شود.^{۲۴} جانشینی رابطه‌ای بین واژه‌ها است؛ نه معانی. بنا بر این انواع جانشینی به لحاظ دستوری دسته‌بندی شده‌اند. هلیدی معتقد است که جایگزینی رابطه‌ای است که در آن «نوعی شمارنده ... به جای تکرار یک عنصر به خصوص به کار گرفته می‌شود».^{۲۵}

امام سجاد علیه السلام در یک بند از دعا - که درباره امید به درگاه احدیت است - می‌فرماید:

أَفْتَرَاكَ يَا رَبِّ تَخَلَّفَ ظَنُونَنَا أَوْ تَحْتَبُّ أَمَانًا كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ وَلَا هَذَا

۲۴. الاتساق والانسجام فی روایه سمرقند، ص ۳۹.

25. Cohsion in English, p 89.

فیکَ ظَمَعْنَا.^{۲۶}

ایشان در این بند به جای تکرار جمله «تُخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَانَنَا» از اسم اشاره «هذا» بهره گرفته‌اند و با این کار از تکرار دوباره آن بی‌نیازی جسته است. همچنین در جای دیگر خواستار رسیدن به بهشت است - که موجبات رضایت خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است را فراهم می‌کند - چنین می‌گویند:

إلهي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَي ذَلِكِ سُورُورُ عَدُوِّكَ وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَي ذَلِكِ سُورُورُ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُورُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورُورِ عَدُوِّكَ.^{۲۷}

در این عبارت‌ها امام سجاد علیه السلام به جای تکرار جملات «إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ، وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ» اسم اشاره «ذلک» را به کار گرفته‌اند که این واژه خود قابلیت جایگزینی برای جملات ماقبل خود را دارد و در کنار مانع شدن از تکرار الفاظ قبل خود، بار دیگر رحمت و محبت خداوند را بنده‌اش به نمایش می‌گذارد. «دلیل امام سجاد علیه السلام بر این خواسته بسیار متقن است، مگر خداوند این پیمان را بر حبیب خود نبسته که فرمود:

﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾

پس چگونه ممکن است که آن بزرگوار راضی شود که یکی از امت او در دوزخ باشد و چگونه مسرور نشود زمانی که امت او داخل بهشت می‌شوند؟^{۲۸} در جایی دیگر امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

أَرْحَمَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَزْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي... وَأَرْحَمَ فِي ذَلِكِ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ عَزْبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ.^{۲۹}

در این بند - که امام در حال دعا برای لحظه تنهایی و وحشت در قبر است - می‌توان گفت که واژه «الْبَيْتِ الْجَدِيدِ» جانشین واژه «القبر» شده است. امام سجاد علیه السلام آنجا که پاداش عمل خویش را رضای خداوند طلب می‌کند، این‌گونه به ذهن متبادر می‌سازد که رضای خداوند و رای همه خواسته‌هاست.

۲۶. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۶۹.

۲۷. همان، ص ۷۵.

۲۸. عشق و رستگاری (شرح دعای ابو حمزه ثمالی)، ص ۵۹۰.

۲۹. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۷۴.

- اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِ ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وِزْرِي وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ
تَوَابِي مَجْلِسِي وَتَوَابِ مَنْطِقِي وَتَوَابِ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا
سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ.^{۳۰}

امام علی‌علیه السلام در این بند از دعای پرمغز، با ایراد یک جمله کوتاه تمام خواسته‌های خود را تکرار می‌کند و عرض می‌کند (وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ) یعنی تمام آنچه را درخواست کردم به من عطا بفرما و مهمتر از آن این که تقاضا را به مرتبه بالاتری کشانیده و همه آنها را از فضل و کرم خداوند خواستار است (وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ) یعنی بیش از آن که از تو خواستارم از فضل و کرمت بر من بیفزای.^{۳۱} در واقع «جمیع» جامع همه خواسته‌های پیش خود است. امام سجاد علی‌علیه السلام در دعای شریف ابو حمزه ثمالی در سه جا از این عامل انسجام بهره گرفته است و عامل جایگزینی با مانع شدن از تکرار واژه‌ها در انسجام دعا نقش دارد.

۲-۱-۳. حذف

حذف همچون جایگزینی در انسجام متن مشارکت دارد. هلیدی و حسن بر این باورند که مراد از حذف، جملات و عناصری هستند که به واسطه ساختارشان، عبارت یا عنصری را به عنوان پیش فرض تداومی می‌کنند. آن‌ها حذف را معادل «جایگزینی با تهی» تعریف می‌کنند.^{۳۲} البته ریشه این بحث را می‌توان در کتب بلاغی و در مبحث ایجاز حذف یافت. مقصود از ایجاز حذف خودداری از ذکر بخشی از جمله با وجود قرینه لفظی یا معنوی، به خاطر هدف بلاغی خاص است.^{۳۳} و می‌توان ادعا کرد که آرای امروز زبان‌شناسان در این زمینه، ادامه نظرات علما و زبان‌شناسان گذشته است. ابن اثیر معتقد است که باید در کلام نشانه‌ای بر محذوف وجود داشته باشد که در صورت عدم آن، کلام بیهوده و لغواست.^{۳۴} از آنجایی که تشخیص عنصر حذف شده در آرای هلیدی به وسیله سایر عناصر متن امکان پذیر است، در واقع، وجود نشانه و قرینه‌ای که به محذوف اشاره کند، نقطه مشترک حذف به عنوان یک عامل انسجام و ایجاز حذف است. حذف، میان عناصر رابطه معنایی

۳۰. همان، ص ۷۶.

۳۱. عشق و رستگاری (شرح دعای ابو حمزه ثمالی)، ص ۶۳۰.

32. Cohsion in English, p142.

۳۳. جواهر البلاغه، ص ۱۸۰.

۳۴. أسالیب المعانی فی القرآن، ص ۴۳۶.

برقرار نمی‌کند؛ بلکه یک رابطه واژی - دستوری است که در آن عنصری حذف می‌شود.^{۳۵} عنصر حذف می‌تواند اسم، فعل یا جمله باشد. در ادامه به نمونه‌هایی از حذف در متن دعا اشاره شده است:

- يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَدَيْكَ وَ (هَذَا مَقَامٌ مَنْ) اسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَ (هَذَا مَقَامٌ مَنْ) أَلْفَ إِحْسَانِكَ وَ نِعَمَكَ وَ أَنْتَ الْجَوَادُّ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَ (أَنْتَ الْجَوَادُّ الَّذِي) لَا يَنْفُضُ فَضْلَكَ وَ (أَنْتَ الْجَوَادُّ الَّذِي) لَا تَقِلُّ رَحْمَتَكَ.
- اَرْحَمَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَزِيَّتِي وَ (اَرْحَمَ) عِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَ (اَرْحَمَ) فِي الْقَبْرِ وَ حَدَتِي وَ (اَرْحَمَ) فِي اللَّحْدِ وَ حَسْتِي.^{۳۶}

در جاهایی که حذف اتفاق افتاده در واقع نوعی شکاف در متن ایجاد شده که به واسطه قرآینی که پیش‌تر در متن ذکر شده می‌توان واژه محذوف را به سادگی فهمید و این همان انسجام و پیوستگی است که به واسطه حذف در جمله ایجاد می‌شود؛ یعنی از طریق یک عنصر که در متن موجود است بتوان عنصر محذوف را تشخیص داد. امام سجاد در بندی دیگر از این دعا، این‌گونه با معبود خویش مناجات می‌کند:

- اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَلْكَ صَبْرًا جَمِيْلًا وَ (اِنِّيْ اَسْتَلْكَ) فَرَجًا قَرِيْبًا وَ (اِنِّيْ اَسْتَلْكَ) قَوْلًا صَادِقًا وَ (اِنِّيْ اَسْتَلْكَ) اَجْرًا عَظِيْمًا اَسْتَلْكَ يَا رَبِّ مِنْ اَلْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ اَسْتَلْكَ اَللّٰهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادَتِكَ الصّٰلِحُوْنَ يَا خَيْرَ مَنْ سُوِّلَ وَ اَجُوْدَ مَنْ اَعْطِيَ اَعْطِنِيْ سُوْلِيْ فِيْ نَفْسِيْ وَ (اَعْطِنِيْ سُوْلِيْ فِيْ) اَهْلِيْ وَ (اَعْطِنِيْ سُوْلِيْ فِيْ) وَ الْوَالِدِيْنَ وَ (اَعْطِنِيْ سُوْلِيْ فِيْ) وَ الْوَالِدِيْنَ وَ (اَعْطِنِيْ سُوْلِيْ فِيْ) اَهْلِيْ خَزَانَتِيْ وَ (اَعْطِنِيْ سُوْلِيْ فِيْ) اِخْوَانِيْ فَيْكَ وَ اَرْغَدْ عَيْشِيْ وَ اَظْهَرْ مُرُوْتِيْ وَ اَصْلِحْ جَمِيْعَ اَحْوَالِيْ.^{۳۷}

- امام سجاد عليه السلام خود را در برابر دریای قدرت و کرم خداوند - که ساحلی برایش نیست - تصور می‌کند و خداوند همان کسی است که او را به ضیافت فراخوانده و تمام درها را به روی گشوده و او را به درخواست امر کرده و اجابتش را تضمین نموده است.^{۳۸} همان‌گونه که می‌بینیم در این بند هم نمونه‌ای از حذف وجود دارد که به قراین موجود رمزگشایی شده‌اند. در این دعای ارزشمند نمونه‌های بسیاری از حذف وجود دارد و غالباً حذف جمله، فعل و

۳۵. لسانیات النضر، ص ۲۱.

۳۶. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۶۹.

۳۷. همان، ص ۷۴.

۳۸. مائه مبحث و مبحث فی ضلال دعاء اَبی حمزه الثمالی، ص ۳۲۶.

حروف است که موجب انسجام در متن دعا شده است و حذف اسم به تنهایی در این دعا دیده نمی‌شود.

۲-۲. مؤلفه‌های انسجام واژگانی

یکی دیگر از روش‌های ایجاد انسجام در متن، انسجام واژگانی است. این انسجام حاصل حضور واژه‌های مشابه و مرتبط است و مبتنی بر رابطه ایست که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی شان با یکدیگر دارند، و متن به واسطه این روابط می‌تواند تداوم و انسجام به خود بگیرد.^{۳۹} مؤلفه‌های انسجام واژگانی، تکرار، هم‌معنایی و تضاد معنایی است که به کارگیری هریک از این وجوه، کارکرد زیبایی شناختی خاص خود را داراست؛ بدین ترتیب که تکرار بر محوریت موضوعی دعای مذکور تأکید می‌کند و هم‌معنایی علاوه بر مشخصه پیشین، تنوع کلامی به آن می‌افزاید و تضاد معنایی، برای برجسته‌سازی معنای دو واژه‌ای که در تقابل با هم قرار گرفته‌اند عمل می‌کند:

۲-۲-۱. تکرار

این اصطلاح، در نظریه انسجام به معنای از سرگیری عناصری از بندهای قبلی و یا عین بند است که در جمله‌های بعدی نیز تکرار می‌شود.^{۴۰} تکرار هنگامی رخ می‌دهد که واژه‌ای عیناً در متن تکرار شود و بین آن دو واژه، از نظر آوایی و معنایی تفاوتی وجود نداشته باشد. سالکی^{۴۱} این رابطه را این‌گونه تعریف می‌کند:

در یک متن واژه‌های بسیاری وجود دارند که بیش از یک بار تکرار شده‌اند؛ اما آنچه که سبب انسجام متن می‌شود، تکرار واژه‌های مهم آن است. بسیاری از واژه‌های دستوری، همچون حروف اضافه و حروف ربط ممکن است در متن، زیاد مورد استفاده قرار گرفته باشند. هرچند این واژه‌ها در انسجام متن، تأثیر گذارند، اما در نقش مورد نظر برای این واژه‌ها تأکید نمی‌شود، بلکه فقط واژه‌های که به واژه‌های متنی معروف‌اند، در متن دارای نقش انسجامی هستند.

از این رو در متن دعای ابوحمزه ثمالی ابتدا به ذکر واژه‌هایی می‌پردازیم که در متن دعا دارای محوریت هستند. تکرار می‌تواند به صورت تکرار خود واژه نمود پیدا کند و یا تکرار

39. An Introduction to Functional Grammer, p 310.

۴۰. مبانی زبان‌شناسی متن، ص ۱۵۵.

41. Text and Discourse Analysis, p5.

مشتقات آن. یکی از این واژه‌ها «اللَّهُمَّ» است که با مشتقات خود ۱۲۰ بار در متن دعا تکرار شده است. بدیهی است در دعا، خداوند نقش اصلی و محوری را داراست و این تکرار - که با بیشترین بسامد، به منظور طلب شفقت و مهربانی و رحمت از معبود صورت گرفته - حاکی از این قضیه است.

اسماء خداوند	اللهم	یا ربِّ	الهی	سیدی	مولای
بسامد	۲۵	۲۵	۱۶	۲۵	۵

همان‌طور که در بالا می‌بینیم، هریک از واژه‌های «اللهم»، «یا ربِّ»، «سیدی» و ... به صورت جداگانه بارها در متن تکرار شده‌اند. امام سجاد علیه السلام بسیاری از عبارات را با «رب» و بسیاری دیگر را با «اللهم» آغاز فرموده که مقتضای حال است و تکرار برای ایضاح و تقریر تنها مبدأ امید و رجا است و از سوی دیگر، این تکرار لذت بخش و جانبخش موجبات انسجام متن را فراهم آورده است. امام سجاد علیه السلام در بندی دیگر از این دعای پر مغز می‌گویند:

فَوَعِّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ اَنْتَ هَرَّتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا اَنْتَ هِيَ
الِيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ اَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ
تَشَاءُ وَ تَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَ
لَا تُشَارَكُ فِي اَمْرِكَ.^{۴۲}

امام زین العابدین علیه السلام در این بند، یک سلسله از حقایق قرآن را به لسان دعا در آورده و بعد از آن که به عزت پروردگار سوگند یاد می‌کند که «اگر رانده شود، از آستان او روی برنخواهد تافت». پس علت رها نکردن و اصرار خود را بر آن درگاه، چنین می‌رساند: که او - عزوجل - فاعل لما یشاء است و گواه فرمایش ایشان در قرآن بسیار روشن است که خدای تعالی مکرر فرمود: ﴿ان الله يفعل ما یشاء﴾ و این مطلب را تثبیت می‌کند که خداوند سبحان هر چه را بخواهد، انجام می‌دهد.^{۴۳} امام علیه السلام برای بیان این مطلب که هیچ امری خارج از اراده و خواست خداوند نیست، واژه «تشاء» را هفت بار تکرار کرده‌اند. ایشان در بندی دیگر چنین با خدای خویش مناجات می‌کند:

- وَ مَالِي لَا اَبْكِي وَلَا اَدْرِي اِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَ اَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَ اَيَّامِي
تُخَاتِلُنِي وَ قَدْ حَقَّقَتْ عِنْدَ رَأْسِي اَجْبِيحَهُ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا اَبْكِي اَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي اَبْكِي
لِظُلْمَةِ قَبْرِي اَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي اَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ اَيَّ اَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ

۴۲. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۷۲.

۴۳. عشق و رستگاری (شرح دعای ابو حمزه ثمالی، ص ۱۹۴).

قَبْرِ عَزِيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثَقْلَى عَلَي ظَهْرِي.^{۴۴}

از دیگر واژگانی که در متن دعا تکرار شده، واژه «ابکی» است. این سخنان ایشان بیان‌گر و پیام‌آور سوزدل و گریه از روی معرفت به حقانیت مرگ و قبر و قیامت و نقش آن در پیشرفت و رشد معنوی انسان است که در کنار انتقال این معنا، موجب انسجام متن نیز شده است. در این دعا گاهی یک واژه و گاهی یک عبارت عیناً تکرار شده است که به نمونه‌ای از تکرار عبارت اشاره می‌شود:

- سَيِّدِي عَلَيْنِكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ.^{۴۵}

- سَيِّدِي عَلَيْنِكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفَنَائِكَ أَحْظُ رَحْلِي وَبِحُودُكِ أَقْصِدُ طَلِبَتِي وَبِكَرَمِكَ أَيْ رَبِّ اسْتَفْتِيحُ دُعَائِي وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقْتِي.^{۴۶}

فاقتی.^{۴۶}

لازم به ذکر است که علم بلاغت، تحت عنوان «اطناب» به بحث تکرار پرداخته است و اطناب یعنی زیادت لفظ بر معنا به منظور رسیدن به فایده‌ای. اگر در زیادت لفظ بر معنا فایده‌ای حاصل نشود، «حشو» یا «تطویل» نامیده می‌شود که هر دو از عیوب کلام‌اند.^{۴۷} عبارت «سَيِّدِي عَلَيْنِكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي» درد و جای دعا تکرار شده است و می‌توان آن را به دو وجه تفسیر نمود: یکی این که سر تکرار از نظر اهمیت مقام اعتماد و توکل است و وجه دیگر تکرار، شاید از این نظر باشد که امام سجاد علیه السلام خواستار آن است که مطالبی را که در ادامه دعا آورده است، به اعتبار اعتماد و توکل بر خداوند عرضه کرده باشد.^{۴۸} با توجه به مطلب ذکر شده می‌توان گفت که این تکرار نه تنها مخل در متن نیست و حشو و تطویل محسوب نمی‌شود، بلکه امام سجاد علیه السلام برای بیان یک معنا و مفهوم والا، یعنی معرفی خداوند به عنوان تنها مرجع امید و اتکاء از آن بهره جسته است و موجب انسجام متن دعا شده است.

خواستار و طلب امام علیه السلام با مردم عادی متفاوت است، ایشان در طلب از خداوند به

۴۴. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۷۲.

۴۵. همان، ص ۷۳.

۴۶. همان.

۴۷. جواهر البلاغة، ص ۱۷۷.

۴۸. عشق و رستگاری (شرح دعای ابو حمزه ثمالی)، ص ۴۶۶.

ماورای نیازهای روزمره می‌نگرد و حج خانه خدا و زیارت قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را طلب می‌کند؛ حج به پا خاستن و گردیدن است؛ به پا خاستن موجودی بی‌مقدار که در برابری نیاز مطلقاً به پا می‌خیزد و گردش عاشق واله‌ای که خانه محبوب را یافته و پیوسته دور آن به گردش می‌پردازد.^{۴۹} و امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام سه مرتبه این دعا را خواستار است:

- نَوَازُفُنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ.^{۵۰}

- وَ أَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهَا السَّلَام.^{۵۱}

- وَ أَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ وَ أَرْزُقْنِي رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ.^{۵۲}

امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَام بار دیگر تکرار را برای یک امر مهم، یعنی طلب توفیق حج به کار بسته است. حج، این فریضه الهی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را موجب آمرزش گناهان می‌داند و می‌فرماید:

هر کس هفت بار به دور این خانه طواف کند و دو رکعت نماز طواف را به خوبی انجام دهد، گناهش آمرزیده شود.^{۵۳}

در تحکیم وحدت بین مسلمانان جایگاهی والا دارد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام حج را عامل حفظ دین معرفی می‌کند و می‌فرماید:

تاکعبه بریاست، دین بریاست.^{۵۴}

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام تکرار را در خدمت بیان یک امر واجب الهی، در چند جای دعا به کار گرفته که حاصل آن، متنی منسجم و یکپارچه است.

۴۹. همان، ص ۵۶۱.

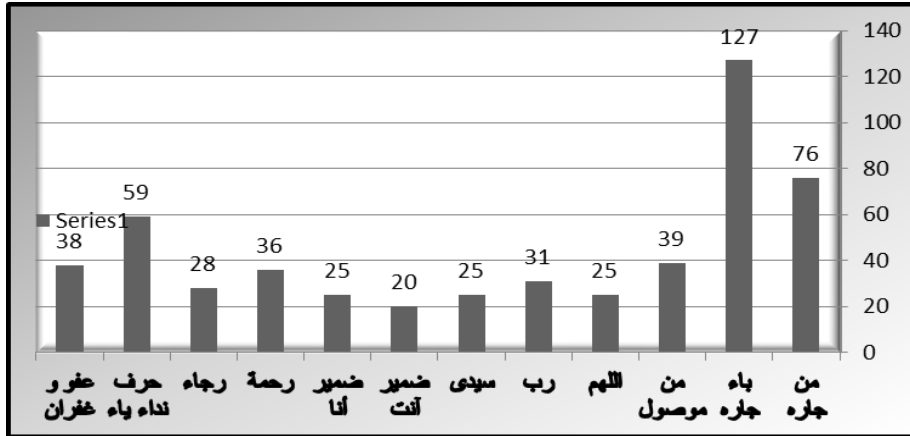
۵۰. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۷۰.

۵۱. همان.

۵۲. همان، ص ۷۵.

۵۳. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۴۹.

۵۴. همان، ج ۹۶، ص ۵۷.



۱. نمودار فراوانی واژگان تکراری پربسامد در متن دعا

۲-۲-۲. هم معنایی

گاهی واژه‌هایی در متن به کار برده می‌شوند که از نظر معنا مشابه و معادل همدیگرند. اگرچه این واژه‌ها تا حدودی با یکدیگر متفاوت هستند و در واقع هم معنایی مطلق بین آن‌ها وجود ندارد، اما می‌توان ادعا کرد که یک حوزه معنا را به مخاطب منتقل می‌کنند. هلیدی هم معنایی را یکی از راه‌های ایجاد انسجام در متن می‌داند؛ زیرا این واژه‌ها با بار معنایی یکسانی که دارند، در کل متن به مثابه یک واژه عمل می‌کنند و موجب پیوستگی متن به همدیگر و در نهایت انسجام کل متن می‌شوند. امام سجاد علیه السلام در دعای شریف ابوحمزه ثمالی، بارها واژه‌های متعدد را با معنای مشابه به کار می‌گیرد؛ به عنوان نمونه در بندی از دعا - که امام علیه السلام به حمد و ثنای پرودگار می‌پردازد - از واژه‌های هم معنایی مانند: رحمت، عفو، عطا، موهبت، فضل و کرم بهره گرفته است.

يا عَظِيمَ الْمَنِّ يا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سِثْرِكَ الْجَمِيلِ أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ أَيْنَ فَرْجِكَ الْقَرِيبِ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةَ أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّنِيئَةَ أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ أَيْنَ مَنَّكَ الْجَسِيمِ أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمَ بِهِ وَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي وَ بِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَكَلُّ فِي التَّجَاهِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمُتَعَفَّرَةِ.^{۵۵}

۵۵. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۶۹.

در این بند واژه‌های «رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ» (رحمت وسیع‌تر)، عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ (بخشش‌های برجسته)، مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةَ (بخشش‌های گوارایت)، صَنَائِعُكَ السَّنِيئَةَ (احسان‌های شایانت)، فَضْلِكَ الْعَظِيمُ (فضل عظیم) به کار رفته که نوعی هم‌معنایی بین آن‌ها وجود دارد. امام سجاده علیه السلام با ذکر این واژگان هم‌معنا، این مطلب را در ذهن خواننده تداعی می‌کند که گردش این جهان با عظمت از مسیر رحمت و فضل خداوند است؛ چه اگر یک لحظه، نظر فضل و رحمت خود را از جهان بگیری، اوضاع عالم دگرگون خواهد شد. گاهی همین واژه‌های هم‌معنا بارها در کل متن تکرار شده‌اند و علاوه بر هم‌معنایی با تکرار مفید خود نیز به انسجام متن کمک می‌کنند.

ایشان در بندی دیگر از این دعای جامع و شامل - که به طلب حاجات از خداوند متعال اختصاص دارد - برای بیان این مفاهیم از واژه‌های هم‌معنا بهره جسته‌اند. از این نمونه‌ها می‌توان به واژه‌های هم‌معنای «الدَّيْنِ» (بدهی) و «الظُّلَمَاتِ» (شکایات)، «أَعْدَاءِ» (دشمنان)، و «الْبَاغِينَ عَلَيَّ» (ستمکاران)، «هَمِّ» (اندوه) و «كَرْبِ» (غم)، «فَرَجِ» (گشایش) و «مَخْرَجِ» (رهایی) و «سَيِّئَاتِ عَمَلِ» (بدی‌های کردار) و «الدُّنُوبِ» (گناهان) اشاره نمود.

- وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَمَاتِ حَتَّى لَا آتَاذِي بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِإِسْمَاعِ وَأَنْصَارِ أَعْدَائِي وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَأَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّجْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتِ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَ سَيِّئَاتِ عَمَلِي وَظَهْرِي مِنَ الدُّنُوبِ كُلِّهَا.^{۵۶}

دعا به معنای خواست و طلب از خداوند سبحان است. گاهی دعا حالت استغاثه به خود می‌گیرد و قرآن کریم نیز آن را یکی از دلایل استجاب دعا معرفی می‌کند: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ».^{۵۷} امام سجاده علیه السلام در دعایشان، آنجا که خداوند را تنها یار و پناهگاه خود به هنگام غم و سختی‌ها معرفی می‌کند، این حالت را به خوبی حفظ نموده و آن را در قالب واژه‌های هم‌معنای «مَفْرَجِ» (پناه) و «عَوْتِ» (فریادرس) و افعال «فَرَجْتُ» (زاری کنم)، اسْتَعَثْتُ (استغاثه کنم)، لُدْتُ وَالْوُدَّ (پناه بردم و پناه می‌برم) قالب‌ریزی کرده است.

۵۶. همان، ص ۷۵.

۵۷. سوره انفال، آیه ۹.

- يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا عَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي إِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَعَنْتُ وَلَدْتُ لَا
الْوُدُّ بِيَسْوَاكَ.^{۵۸}

مهم‌ترین نکته در کارکرد عناصر هم معنا و شبه هم معنا این است که در واقع دنباله نقش انسجامی تکرار هستند؛ با این تفاوت که در حوزه هم معنایی با ذکر واژه‌های متفاوت، از خستگی ناشی از تکرار یک واژه برای معنایی خاص پرهیز می‌شود و علاوه بر این توانایی گوینده در ذکر واژه‌های هم معنا و شبه هم معنا را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، این گونه تکرار نقش و سطح انسجامی بالایی دارد.

در جدول زیر برخی دیگر از واژه‌های هم معنایی را که در متن دعا آمده‌اند، ذکر شده است.

تَهَيَّأْتُ، تَعَبَّأْتُ مهیا شده‌ام، مجهز شده‌ام	جُرْمٌ، جَرِيرَةٌ جرم، گناه	مُعَوَّلٌ، مُعْتَمَدٌ تکیه گاه، مورد اعتماد	جُودٌ، كَرَمٌ بخشش، کرم	إِحْسَانٌ، مَعْرُوفٌ نیکی، کار نیک
خَطِيئَةٌ، ذَنْبٌ خطا، گناه	مُسْتَجِيرٌ، عَائِدٌ پناه خواه، پناه برنده	الْفَقْرُ، الْفَاقَةُ فقر، نداری	غَرِيبٌ، وَحْدَةٌ غربت، تنهایی	الرَّأْفَةُ، الرَّحْمَةُ مهربانی، رحمت
صَنَائِعٌ، فِعَالٌ نیکی و کار نیک	عَصِيَّةٌ، خَالِفٌ نافرمانی کردم، مخالفت کردم	مُسْفِرَةٌ، ضَاجِكَةٌ، مُسْتَشِيرَةٌ گشاده، خندان، شادمان		

در واقع می‌توان ادعا کرد که واژه‌های هم معنا به نوعی در تناسب با محور کلی دعا - که به تمسک به رحمت الهی، ذکر درخواست‌ها، اقرار به گناهان و ... اختصاص دارد - همگام و همسواست و امام زین العابدین علیه السلام با برجسته‌سازی این کلمات در متن دعا، ضمن پرهیز از ذکر واژه‌های تکراری، از یک سو به متن دعا تنوع و جذابیت بخشیده و از سوی دیگر، موجب انسجام و هماهنگی در متن دعا شده‌اند.

۲-۳- تضاد معنایی

علاوه بر واژگان مترادف و هم معنا - که موجب انسجام در متن می‌شوند - رابطه دیگری به نام تضاد معنایی نیز می‌تواند این انسجام را سبب شود که در طی آن واحدهای واژگانی، معنای متضادی را به نمایش می‌گذارند. باید گفت که «متن مانند یک پازل است که از واحدهای گوناگون و متضادی تشکیل شده است که چیدمان درست آن اختلاف‌ها، انسجام بخش است. بنا بر این، تضاد به طور کلی، برهم زننده انسجام و یکپارچگی است؛

۵۸. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۷۶.

مگر این که به طور دقیق در جای خود به کار رود.^{۵۹} تضاد در واقع عبارت است از واژه‌هایی که در برابر واژه‌ای دیگر قرار می‌گیرند. در ادامه به برخی از واژه‌های متضاد در متن دعا اشاره می‌شود:

- اِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ دُنُوبِي فَرَعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمَعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ.^{۶۰}

بیان رحمت و فضل خداوند یکی از محوری‌ترین موضوعات دعای ابوحزمه به شمار می‌رود که امام سجاد علیه السلام بارها با واژه‌هایی همچون «سعه رحمه»، «فضل»، «مغفره»، «عفو» و ... از آن‌ها یاد می‌کند. ذکر کلمات متضاد می‌تواند ذهن مخاطب را از تصویر یک بعدی دور کند و باعث القای بیشتر مطلب به ذهن شود. در این عبارت، واژه‌های «عَفَوْتَ وَ عَذَّبْتَ»، رَاحِمٍ وَ ظَالِمٍ» به صورت متضاد به کار رفته‌اند. از آنجایی که هر چیزی با ضدش بیشتر شناخته می‌شود، می‌توان گفت که امام علیه السلام با این تقابل واژگانی رحمت خداوند را بیشتر جلوه می‌دهد و در عین حال به انسجام متن هم کمک می‌کند.

امام زین العابدین علیه السلام در بندی دیگر از این دعای پرمحتوا، بار دیگر نعمت‌های خدا را متذکر شده و در مقابل به گناهان خویش اقرار می‌کند، آنجا که می‌گویند:

- يَا عَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَ بِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَ أَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَ نَتُوبُ إِلَيْكَ تَتَّحَبُّ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَ نُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرِكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرِّهَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ.^{۶۱}

در این عبارات واژه‌های «أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا»، «خَيْرٌ وَ شَرٌّ، نَازِلٌ وَ صَاعِدٌ» - که برای بیان احسان خدا در حق بنده به کار رفته‌اند - در تضاد با یکدیگرند. امام سجاد علیه السلام بار دیگر به غفران الهی اشاره نموده و می‌فرماید:

- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَسْبِنَا وَ مَسِينَا وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا ذِكْرِنَا وَ أَثْنَا صَغِيرِنَا وَ كَبِيرِنَا حُرْنَا وَ مَمْلُوكِنَا كَذَبِ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَ خَسِرُوا خُسْرَانًا.^{۶۲}

۵۹. «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، ص ۱۲۲.

۶۰. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۶۸.

۶۱. همان، ص ۷۰.

۶۲. همان.

دعای امام علیه السلام جامع و شامل است و دامنه دعایشان همه را فرا می‌گیرد. ایشان به زیبایی با استفاده از واژه‌های متضاد این شمولیت را به نمایش می‌گذارند آنجا که برای «حَيِّ وَ مَيِّتِ»، «شَاهِدَ وَ غَائِبِ»، «ذَكَرَ وَ أَنْثَا» «صَغِيرَ وَ كَبِيرِ»، «حُرَّ وَ مَمْلُوكَ» طلب آمرزش می‌کند. امام سجاده علیه السلام در این دعا با تقابل واژگانی، در کنار تنوع بخشی به متن دعا، از یک سو معنای مورد نظر خود را بیان نموده است و از سویی دیگر، دعا به صورت متنی بسیار منسجم جلوه می‌کند. نکته قابل توجه این است، واژه‌هایی که امام آن‌ها را به صورت متضاد به کار برده‌اند، اغلب واژه‌هایی است که به نوعی به رحمت و فضل خدا برمی‌گردد. بنا بر این می‌توان چنین برداشت نمود که رابطه تضاد در کنار انسجام بخشی به متن دعا برای تجلی بخشیدن به صفت «أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» بودن خداوند است که امام سجاده علیه السلام او را «محسن» و خود را «مسیء» دانسته و خواستار آن است که خداون از ایشان و سایر بندگان درگذرد.

أَنْتَ الْحَسَنُ وَ نَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْنَا رِزْتَ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ.^{۶۳}

۲-۳. انسجام ربطی

این انسجام به واسطه بهره‌گیری از حروف ربط حاصل می‌شود. اگرچه این حروف به خودی خود انسجام بخش نیستند؛ اما از طریق رابطه‌ای که بین واژه‌ها و جملات برقرار می‌کنند، نقش خود را به طور غیر مستقیم، به عنوان گزاره‌ای انسجام بخش ایفا می‌کنند. در واقع، «این ابزارها اصولاً برای ارجاع به متن قبل به کار برده نمی‌شوند، بلکه معانی خاصی را بیان می‌کنند که این معانی حضور عناصر دیگری را در گفتمان پیش‌انگاری می‌کنند».^{۶۴} یارمحمدی عوامل ربطی را به هفت دسته تقسیم کرده است:^{۶۵}

۱. افزایشی: (Additive)؛ مانند: نیز، همچنین، گذشته از این، واو، یا و...
۲. علی (سببی): (Causative)؛ مانند: زیرا، برای این‌که، لذا، پس، در نتیجه، چون، از آن جایی که و...
۳. زمانی: (Temporal)؛ مانند: وقتی که، سپس، قبل از، تا، پس از، در حالی که و...
۴. نقیضی: (Adversative)؛ مانند: ولی، اما، به جای آنکه، با این حال، با این وجود و...

۶۳. همان، ص ۶۹.

۶۴. «ارزیابی نظریه‌های انسجام و پیوستگی متنی»، ص ۳۵.

۶۵. «مبانی زیبایی‌شناختی و چگونگی کارکرد عوامل انسجام در شعر با بررسی «کتیبه» اخوان ثالث و «خوابی در هیاهو» از سهراب سپهری، ص ۲۴۹.

۵. شرطی: (Conditional)؛ مانند: اگر، مگر این‌که، در صورتی که و...
 ۶. تخصیصی: (Specifying)؛ مانند: یعنی، به عبارت دیگر، به ویژه، بدین معنا که و...
 ۷. امتیازی: (Concessive)؛ مانند: حتی، اگرچه، علی‌رغم، هرچند و...
 هلیدی ادوات تفصیلی، سنجشی، موصولی و تفضیلی را نیز جزئی از ادوات ربط برمی‌شمرد. البته باید گفت که برخی از ادوات پیوندی نیز هست که تنها مختص به زبان عربی هستند؛ از جمله استیناف، تأکید و حروفی که برامکان وقوع فعل دلالت می‌کنند و عبارت‌اند از «أن مصدری و أن تأکیدی». نکته دیگر، این‌که ادوات تفضیلی که در زبان فارسی در قالب حروف «تروترین» مشخص می‌شوند، در زبان عربی با افعال تفضیل بیان می‌شوند.^{۶۶}
- يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَ دَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقِّقْ رَجَائِنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَ لَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا وَ عَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَاْمُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ جُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُتَحَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ يَا عَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَ بِنِعْمَتِكَ اصْبَحْنَا وَ أَمْسَيْنَا.^{۶۷}

انسجام پیوندی	افزایشی	امکان وقوع	استیناف	تفضیلی	شرطی	سببی
ادوات ربط	واو	أن	فاء	لكن	إن	فاء

- إلهی و سیدی و عزتیک و جلالک لیئن طابتنی بذنوبی لأطالبتک بعفوک و لیئن طابتنی بلؤمی لأطالبتک بکرمک و لیئن اذخلتنی النار لأخیرن أهل النار بحبی لک إلهی و سیدی إن کنت لا تغفر إلا لأولیائک و أهل طاعتک فالی من یقرع المذنبون وإن کنت لا تُکریم إلا أهل الوفاء یک فبمن یتستغیث المستغیثون إلهی إن اذخلتنی النار ففی ذلک سرور عدوک و إن اذخلتنی الجنة ففی ذلک سرور ربیبک و أنا و الله أعلم أن سرور نیبک أحب الیک من سرور عدوک.^{۶۸}

انسجام پیوندی	افزایشی	شرطی	تأکید	استیناف
ادوات ربط	واو	إن	لام، ن	فاء

- اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ بِحُزْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ وَ بِحُبِّي النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ الْهَاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ الْتِهَامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا تُوَحِّشْ اسْتِينَا

۶۶. لسانیات النص، ص ۲۶.

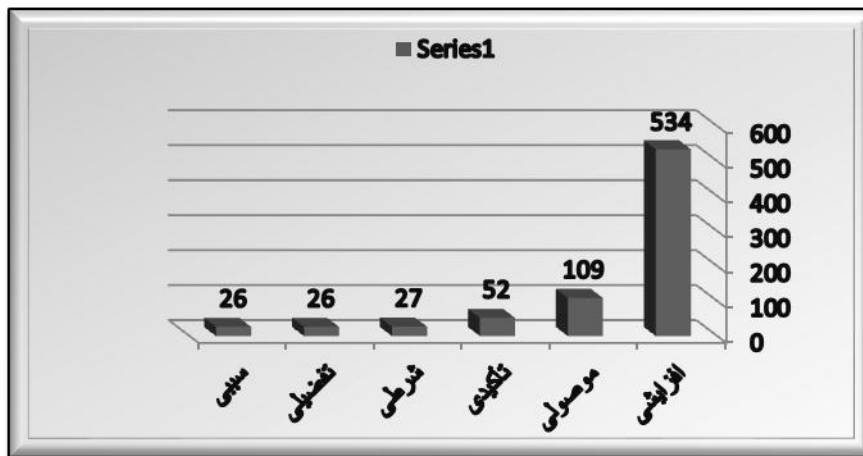
۶۷. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۷۰-۶۹.

۶۸. همان، ص ۷۵.

ایمانی وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِأَلْسِنَتِهِمْ لِيُحَقِّقُوا بِهِ
 دِمَائَهُمْ فَأَدْرَكُوا مَا أَمَلُوا وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِأَلْسِنَتِنَا وَ قُلُوبِنَا لِنَتَعَفَّوْ عَنَّا فَأَدْرَكْنَا مَا أَمَلْنَا وَ تَبَّتْ
 رِجَاؤُكَ فِي صُدُورِنَا وَ لَا تُرْغِ قُلُوبِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ
 الْوَهَّابُ فَوَعِدْتِكَ لِيُؤْتِنَهُنَّ نِي مَا بَرِحْتَ مِنْ بَابِكَ وَ لَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي
 مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ.^{۶۹}

انسجام پیوندی	افزایشی	تأکیدی	استیناف	تعلیل	شرطی	زمانی
ادات ربط	واو	إِنَّ	فاء	لام و فاء	لو	إِذْ

شمارش ادات پیوندی به کاررفته در متن دعای ابوحزمه ثمالی، حاکی از این است که ادات پیوندی افزایشی «واو، فاء عطف و او» از پربسامدترین ادات در متن دعا به شمار می‌رود که امام سجاده علیه السلام برای مناجات با معبود ازلی از آن‌ها بهره جستته است. از دیگر ادات پیوندی به کاررفته در متن دعا - که موجب پیوند معنایی در آن شده‌اند - می‌توان به این موارد اشاره کرد: ادات موصولی ۱۰۹ بار، ادات تأکیدی ۵۲ بار، شرطی ۲۷ بار، ادات سببی ۲۶ بار، استیناف ۲۶ بار، ادات تفضیلی ۲۶ بار، امکان وقوع ۱۵ بار، ادات زمانی ۱۱ بار، به کار رفته‌اند؛ اما ادات نقیضی تنها در دو مورد نقض حکم پیشین در متن دعا یافت شد و ادات سنجشی در متن دعا وجود ندارد.



۲. نمودار فراوانی ادات پیوندی پربسامد

۶۹. همان، ص ۷۲.

نتیجه پژوهش

این پژوهش دعای شریف ابو حمزه ثمالی را از منظر نظریه انسجامی هلیدی ورقیه حسن بررسی کرده است. نتایج پژوهش بیان‌گر این مطلب است که:

- امام سجاد علیه السلام از وجوه زیبایی شناختی کلام برای بیان افکار و اندیشه دینی خود بهره جسته و مناجات خویش با معبود ازلی را در بهترین صورت در آن قالب ریزی نموده است.
- هر سه مؤلفه انسجام؛ دستوری، واژگانی و پیوندی در متن بودگی دعا تأثیر بسزایی دارند و آن را به صورت یک متن زیبا، پرمحتوا با توان اثرگذاری بر مخاطب منعکس می‌کنند.
- از میان عوامل انسجام دستوری، «ارجاع» بیشترین نقش را در ایجاد انسجام در متن دعا ایفا می‌کند. ارجاع درون‌متنی ضمایر (أنت وکاف) - که مرجع هر دو خداوند است و در متن دعا با واژه‌هایی همچون «اللهم»، «مولای»، «ربی» و... ذکر شده‌اند - بیان‌گر نگاه و توجه خاص امام معصوم علیه السلام به مقام خداوند سبحان بوده و با چارچوب دعا متناسب است. از میان ارجاعات برون‌متنی، بیشترین فراوانی به ضمایر «أنا» و «یاء متکلم» اختصاص دارد که مرجع هر دو امام سجاد علیه السلام است.
- تکرار به عنوان یکی از مؤلفه‌های انسجام واژگانی، نسبت به سایر مؤلفه‌ها بیشترین بسامد را دارد و در واژه «الله، رب، مولا» و واژه‌هایی که بر رحمت و غفران الهی اشاره دارد، تجلی پیدا کرده است.
- علاوه بر تکرار، واژه‌های هم‌معنا با بسامد فراوان، زمینه ایجاد تنوع در کلام و گستردگی آن را فراهم نموده‌اند و کلام امام سجاد علیه السلام را به صورت متنی منسجم درآورده که خواننده را مجذوب و شیفته خود می‌کند.
- در ارتباط با ادات پیوندی می‌توان گفت که ادات افزایشی «واو، فاء، أو» و موصولات و ادات تأکیدی بیشترین بسامد را در متن داشته‌اند و با ایجاد ارتباط بین بندهای دعا موجب انسجام و گستردگی در متن دعا شده‌اند.

کتابنامه

- الاتساق و الانسجام فی روایه سمرقند لأمین معلوف، لمیاء شنوف، إشراف: سعیده کحیل، قسنطینه: جامعه منتوری - کلیه الآداب واللغات - قسم الترجمة، ۲۰۰۸ م.
- أسالیب المعانی فی القرآن، السید جعفر باقر حسینی، قم: بوستان کتاب، ۱۴۲۷ ق.
- الإقبال بالأعمال الحسنة، سید رضی الدین ابن طاووس، محقق: جواد قیومی اصفهانی، قم:

- مؤسسه عمران مساجد، بی تا.
- بحار الأنوار، محمد باقر المجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- بشنوا زنی (مروری بردعای ابوحمزه ثمالی)، علی صفایی حائری، قم: انتشارات لیله القدر، ۱۳۸۴ ش.
- تحلیل گفتمان انتقادی، فردوس آفاگل زاده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۸۵ ش.
- جواهر البلاغه، السيد أحمد الهاشمی، قم: نشر قدس رضوی، ۱۳۸۳ ش.
- درآمدی بر اصول ترجمه، کاظم لطفی پور ساعدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، هشتم، ۱۳۸۷ ش.
- دلائل الإعجاز فی القرآن، الإمام عبدالقاهر الجرجانی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ ق.
- زبان و ذهن، نوام چامسکی، ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
- عشق و رستگاری (شرح دعای ابوحمزه ثمالی)، احمد زمریان شیرازی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
- لسانیات النص، محمد الخطابی، دارالبيضاء: مرکز الثقافی العربی. دوم، ۲۰۰۶ م.
- مائه مبحث ومبحث فی ضلال دعاء أبي حمزه الثمالی، الشیخ جبار جاسم مكاوی، تحقیق: عبدالحلیم عوض الحلی، مؤسسه الطبع والنشر التابعه للآستانه الرضویه المقدسه مجمع البحوث الإسلامیه، اول، ۱۴۳۵ ق.
- مبانی زبان شناسی متن، پرویز البرزی، تهران: امیرکبیر، اول، ۱۳۸۶ ش.
- معناکاوی، به سوی نشانه شناسی اجتماعی، فرهاد ساسانی، تهران: علم، ۱۳۸۹ ش.
- موسیقی شعر، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه، پنجم، ۱۳۷۶ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات زاهدی، اول، ۱۳۸۵ ش.
- «ارزیابی نظریه های انسجام و پیوستگی متنی: به سوی چارچوبی برای ارزیابی خوانش پذیری در سطح گفتمان»، رامین گلشائی، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۳۹۲ ش، شماره سی و یکم.
- «بررسی تطبیقی زبان ارزیابی از دیدگاه نقش‌گرایی در زبان فارسی و انگلیسی»، محمدرضا احمدخانی، فاطمه یوسفی‌راد، اکرم دهقان‌زاده، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه باهنر کرمان، ۱۳۹۵ ش. شماره ۱۴.
- «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»،

مهدی مسبوق، شهرام دلشاد، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۱۳۹۵ش، شماره اول.
- «زبان‌شناسی متن والگوی انسجام در آرای نحوی، بلاغی و نقدی عربی قدیم»، علی رضا نظری، خلیل پروینی، کبری روشنفکر، فردوس آفاگل‌زاده، مجله ادب عربی، ۱۳۹۰ش، شماره سوم.

- «عناصر برجسته انسجام در بانیه متنّبی بر اساس نظریه هلیدی»، سید رضا میراحمدی، مریم آقاجانی، مجله زبان و ادبیات عربی (ادبیات و علوم انسانی سابق)، ۱۳۹۶ش، شماره هفدهم.

- «مبانی زیبایی‌شناختی و چگونگی کارکرد عوامل انسجام در شعر با بررسی «کتیبه» اخوان ثالث و «خوابی در هیاهو» از سهراب سپهری»، مریم درپر، مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، ۱۳۹۳ش، شماره دوم.

- An Introduction to Functional Grammer. Halliday, M.A.K, London: Edward Arnold, 1985.
- Cohsion in English, Halliday and Hasan, London: Longman, 1976.
- Discourse Analysis, Brown, G. & Yule New York: Cambridge, 1989
- Text and Discourse Analysis, Salki, Raphael, London & New York, Routledge, 1995.